

کشف حجاب

کشف حجاب در ایران نیز پدیده خودجوش داخلی نبود و محرک‌های خارجی داشت. این پدیده ناشی از تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم غربی تحت عنوان «تجددخواهی» در میان ایرانیان، به ویژه کسانی است که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده‌اند. در این بین اراده دولتمردان نقش مکمل داشته و در اشاعه آن تأثیر بسزایی داشته است. این مقاله به بررسی روند تاریخی کشف حجاب می‌پردازد.

مبارزه با حجاب اسلامی زنان مسلمان در کشورهای اسلامی هیچگاه يك پدیده درونی نبوده و منشأ بیرونی داشته است. این پدیده، تهاجمی استعماری با هدف مسخ هویت اسلامی مردم، ایجاد انشقاق و جدائی در میان ملل مسلمان، ترویج فرهنگ غرب، رواج ابتذال در جوامع اسلامی و نهایتاً انهدام اساس استقلال مسلمانان می‌باشد. «همفری» کارشناس و جاسوس معروف انگلستان در کشورهای اسلامی که از فعالان رواج فرهنگ غربی در میان ملل مسلمان می‌باشد، در کتاب خاطرات خود به موارد متعددی از خصوصیات مسلمانان از جمله اعتقاد به مبانی اسلامی، حفظ حجاب اسلامی، استحکام کانونهای خانواده و تبعیت فرزندان از روش پدران و نیاکان اشاره کرده و لزوم مبارزه با این مبانی و ارزش‌ها را مورد تأکید قرار داده است. (۱) وی که مأمور اعزامی وزارت مستعمرات انگلیس به کشورهای اسلامی بوده، از بی‌حجابی و برداشتن حجاب زنان و رواج بی‌بند و باری به عنوان یکی از مؤثرترین روش‌ها در مبارزه با استقلال ملت‌های مسلمان یاد کرده است. توصیه‌های «همفری» در بسیاری از کشورهای اسلامی توسط دولت‌هایی که به دربار لندن و یا متحدان اروپائیش وابسته بوده‌اند، به اجرا گذارده شده است. اسماعیل پاشا در مصر که در ۱۸۶۳ میلادی بر تخت سلطنت نشست در ۱۸۷۰ به آزادی زنان با مفهوم اروپائی آن در کشورش رسمیت داد. در الجزایر نیروهای اشغالگر فرانسوی برای در هم شکستن انقلاب مردم، از جمله به مبارزه علیه حجاب زنان روی آوردند. در ترکیه، مقابله با حجاب اسلامی از نخستین برنامه‌های کمال‌آتاترک برای اسلام زدائی بود. این برنامه‌ای بود که در کنار سایر تصمیمات از جمله منسوخ کردن دادگاه‌های شرعی، تعطیل مدارس علوم دینی، جایگزین کردن قوانین اروپایی به جای نظام شریعت، رواج رسم‌الخط لاتین، تغییر تاریخ هجری به میلادی، اعلام تعطیلی یکشنبه‌ها به جای جمعه‌ها و ... به اجرا گذارده شد. در افغانستان نیز امان‌الله خان با تأسیس «انجمن حمایت از نسوان» در ۱۹۲۸، بانی مبارزه با حجاب زنان مسلمان آن کشور گردید. کشف حجاب در ایران کشف حجاب در ایران نیز پدیده خودجوش داخلی نبود و محرک‌های خارجی داشت. این پدیده ناشی از تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم غربی تحت عنوان «تجددخواهی» در میان ایرانیان، به ویژه کسانی است که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده‌اند. در این بین اراده دولتمردان نقش مکمل داشته و در اشاعه آن تأثیر بسزایی داشته است. براساس شواهد تاریخی اولین نشانه‌های کشف حجاب از دربار ناصرالدین شاه قاجار آغاز شد. مسافرت‌های شاه به اروپا و مشاهدات وی از وضعیت پوشش زنان اروپائی در انتقال فرهنگ آن دیار به کشور و در ابتدا به دربار و دارالخلافه تأثیر به‌سزایی داشت. به تدریج موضوع کشف حجاب در قالب تجددخواهی به محافل روشنفکری و اشعار شعرا نفوذ کرد و در مطبوعات منعکس شد. این وضعیت کم و بیش تا پایان دوره قاجار ادامه داشت. میل حکام قاجار به کشف حجاب و مقاومت خانواده‌ها سبب شد تا پدیده کشف حجاب به غیر از دربار و محافل نزدیک به شاه، رشد چندانی نیابد. هر چند در اواخر دوره قاجار و در جریان نهضت مشروطه و پس از آن، سیاسیون «نوگرا» و «منورالفکر» گام‌هایی در حذف پوشش اسلامی بانوان و اشاعه بی‌حجابی در جامعه برداشتند و نویسندگان و شعرا چون ایرج میرزا، میرزاده عشقی، عارف قزوینی و ملک‌الشعرا بهار در این زمینه‌ها

قلم فرسایی کردند. آنان مشروطه را به معنای تجدد خواهی خوانده و بی‌حجابی را از مظاهر تجددخواهی قلمداد کردند. طراحان و منادیان کشف حجاب می‌دانستند که برای رسمیت بخشیدن به این پدیده باید زمینه‌های لازم ابتدا در کانون های خانواده فراهم آید. از دید آنان مخالفت مرد با بی‌حجابی همسر در معابر عمومی عامل اصلی عدم پیشرفت کشف حجاب بود. از این رو، برنامه‌های اولیه در جهت تغییر ذهنیت سرپرست خانواده تدوین شد و سپس جنبه رسمی و قانونی یافت. در وهله نخست از کارکنان دولت آغاز کردند، زیرا آنان در کنترل دولت بودند و دولت نظارت بیشتری بر رفتار آنان داشت. از سوی دیگر، پذیرش این تغییرات توسط آنان، می‌توانست راه را برای پذیرش سایر افراد جامعه نیز هموار کند. بدین منظور و برای رسمیت یافتن کشف حجاب، قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه در چهار ماده و هشت تبصره در جلسه ۶ دی ۱۳۰۷ و در سومین سال پادشاهی رضاخان - دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی - به تصویب رسید. گرچه بسیاری از روحانیون از جمله مراجع، ائمه جمعه، مفتی‌های اهل سنت و ... از این مقررات مستثنی شدند، اما اجرای این قانون با مقاومت گسترده‌ای در تهران و چند شهر دیگر روبرو شد و روحانیون نیز پیشنهاد این مخالفتها بودند. تشکیل جمعیت بیداری نسوان - دی ۱۳۰۵ - ترویج دکلمه و منع چادر از سوی ملکه، حضور خانواده سلطنتی با وضع زننده در قم - نوروز ۱۳۰۷ -، مسافرت امان‌الله خان افغان به همراه همسرش ثریا به ایران - خرداد ۱۳۰۷ - و حضور تعدادی از زنان افغانی همراه آنها که در میهمانی‌ها حجاب را رعایت نمی‌کردند و در بازگشت به افغانستان نیز با لباس و کلاه اروپایی از شهرهای ایران عبور می‌کردند، از نشانه‌های گرایش دربار رضاخان به کشف حجاب بود. در ۲۰ دی ۱۳۱۰ ش. مجلس شورای ملی ورود هیأتی از سوی «جامعه ملل» را برای جلوگیری از آنچه که «تجاوز به حقوق زن در شرق» خوانده می‌شد، صادر کرد. در این سال به دستور رضاخان «زنان باید در برداشتن حجاب خود آزاد باشند و اگر فردی یا ملایی متعرض آنان شد، شهربانی باید از زنان بی‌حجاب حمایت کند.» تشکیل «کنگره زنان شرق» در ۱۳۱۱ ش. در تهران و دعوت از زنان بی‌حجاب کشورهای دیگر از دیگر گام‌های رضاخان برای مبارزه با حجاب بانوان بود. در این کنگره که به ریاست «شمس پهلوی» برگزار شد، از بی‌حجابی به عنوان مظهری از تمدن یاد شد و در مورد آن تبلیغات فراوان به عمل آمد. استفاده از مراکز تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس آموزشی به سبک اروپا از دیگر عوامل زمینه‌ساز کشف حجاب در ایران عصر رضاخان بود. گرچه سابقه ایجاد این مدارس نیز به دوره ناصرالدین شاه باز می‌گشت، اما رضاخان در آستانه اعلام کشف حجاب، مشوق توسعه این مدارس بود. سفر رضاشاه به ترکیه در خرداد ۱۳۱۳ و مشاهدات وی از بی‌حجابی در آن کشور، او را در پی‌گیری روند مقابله با حجاب مصمم‌تر ساخت. رضا شاه در جریان این سفر به سفیر کبیر ایران «مستنشارالدوله صادق» گفت: «ما عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم.» ۴ و در ۱۱ آذر ۱۳۱۴ به محمود جم رئیس‌الوزرا گفت: «نزدیک دو سال است که این موضوع - کشف حجاب - سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زنهای آنها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش بدوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. ۵ رضا شاه در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ «جمعیت زنان آزادیخواه ایران» را تحت ریاست شمس پهلوی به عنوان گام تازه‌ای برای پیشبرد روند بی‌حجابی در کشور تأسیس کرد. در مرحله بعد وزارت داخله برای ایجاد هماهنگی بیشتر میان لباس متحدالشکل مردان و کشف حجاب زنان، مقررات جدیدی در مورد نوع پوشش وضع کرد. سپس شاه نیز به وزرا و نمایندگان مجلس اعلام کرد که حذف حجاب زنان را آغاز کنند. در قدم اول بی‌حجابی از زنان وزرا، معاونان، وکلا و مسئولان کشور آغاز شد. حکومت، قانون کشف حجاب را پیش از اعلام رسمی آن در ۱۷ دی ۱۳۱۴، به ولایت ابلاغ کرده بود. این قانون در مرحله اجرا با مقاومت‌های خونینی روبرو شد و قیام در مسجد گوهر

شاد در تیر ۱۳۱۴ از نمونه‌های آن است. آیت الله قمی، آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله سید یونس اردبیلی، آیت الله سید محمد تقی خوانساری، آیت الله حجت کوه‌کمره‌ای و آیت الله میرزا محمد آقازاده از جمله مراجع و علمای سرشناس بودند که نسبت به اقدامات رضاخان در ترویج بی‌حجابی شدیداً اعتراض کردند. بسیاری از علما و روحانیون نیز در اعتراض به کشف حجاب تبعید شدند. در ۱۷ دی ۱۳۱۴ رضاشاه با همسر و دختران کشف حجاب کرده خود، در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دختران دانشسرای مقدماتی حضور یافت. ۶ همه مسئولان کشوری که در این جشن دعوت شده بودند، طبق یک برنامه از پیش طراحی شده با همسران بدون حجاب خود شرکت کردند. رضاشاه در سخنانی در این مجلس اظهار داشت: «باید خیاطها و کلاه دوزها را تشویق کرد که مدهای قشنگ به بازار بیاورند. ما میله‌های زندان را شکستیم. حالا خود زندانی آزاد شده وظیفه دارد که برای خودش به جای قفس، خانه قشنگی بسازد. ۷» مراسم روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در حقیقت رسمیت بخشیدن به کشف حجاب در کشور بود. پس از آن، مطبوعات به تجلیل از این رویداد پرداختند و بی‌حجابی را آزادی زن، تجدد او و همتایی‌اش با پیشرفت و ترقی مردم اروپا تلقی کردند. کشف حجاب در سالهای باقی مانده حکومت رضاخان اجباری بود و حجاب اسلامی مظهر عقب‌ماندگی شمرده می‌شد. به همین دلیل نیز، برداشتن چادر از سر زنان به اجبار، بخشی از وظیفه مأموران انتظامی شده بود. کشف حجاب بسیاری از مفاصل اخلاقی در جامعه را در پی داشت و خشم بسیاری از مردم به ویژه قشر مذهبیون را برانگیخت. بسیاری از زنان مؤمنه، برای حفظ حجاب از منازل خارج نمی‌شدند و خود را در خانه حبس کردند. بسیاری نیز تلاش می‌کردند تا حجاب خود را در کوچه و خیابان، به دور از چشم مأمورین، حفظ کنند. پس از سقوط رضا شاه، ظاهراً قید اجبار از کشف حجاب برداشته شد، اما مطبوعات حکومتی همچنان در ستایش اقدام رضاخان قلم می‌زدند و درباره مظاهر «تمدن» و «تجددخواهی» و «عقب‌نماندن از پیشرفت اروپائیا» مطلب می‌نوشتند. برنامه کلی حکومت نیز در دوره حکومت پهلوی دوم همچنان تبلیغ بر بی‌حجابی بود و باکسانی که علیه آن اقدام می‌کردند و یا تبلیغ به حجاب در برنامه‌هایشان بود، برخورد می‌شد. این در حالی بود که تعداد بسیاری از زنان که در دوره رضاخان به اجبار از پوشش اسلامی محروم شده بودند، در دوره پهلوی دوم و در پی آزادی‌های نسبی سال‌های اول پس از سقوط رضاخان به حجاب اسلامی خود بازگشتند. پانوشت ها: ۱- تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص ۷۳. ۲- فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۶، ص ۷۴. ۳- فصلنامه، همان، ص ۷۸. ۴- کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، مهدی صلاح، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۱۱۷. ۵- کشف حجاب، همان، ص ۱۱۸. ۶- فصلنامه مطالعات تاریخی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۳، ص ۲۲۰. ۷- کشف حجاب، همان، ص ۱۴۰. منبع: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی